

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

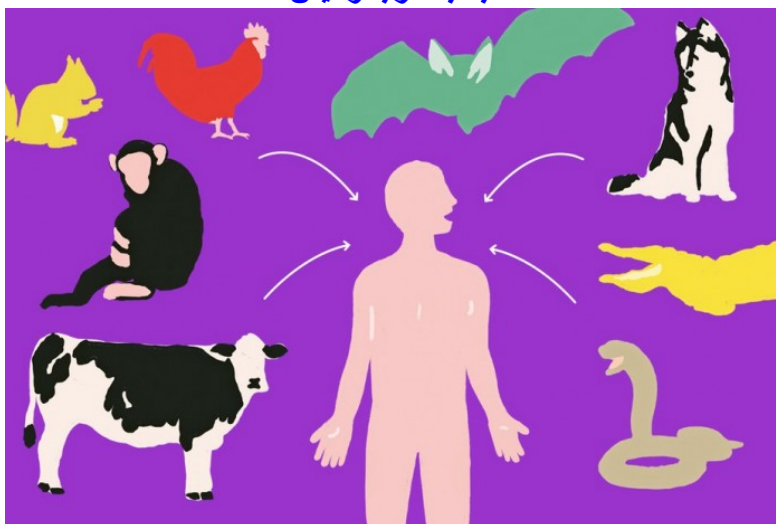
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کاترین هارت من* - ۲۲ اکتوبر ۲۰۲۰
برگردان از: حمید بهشتی
۱۸ نومبر ۲۰۲۰

"ما باید جمعش کنیم" مصاحبه با "رُب والیس"***



مصاحبه: همه گیری جهانی کرونا تنگاتنگ به نظام سرمایه داری مربوط است. صنعت کشاورزی و سرقت طبیعت در کشت را دانشمند و زیست شناس بیماری های همه گیر، رُب والیس، شرح می دهد.
اپیدمی ها از زمانی که بشر ساکن گشت و به کشاورزی پرداخت به وجود آمد. امروزه ابتلا رو به افزایش بوده، جنبه همه گیر یافته است. چرا؟ رُب والیس در این باره نظریه ای دارد: در نظر او ریشه آن در از بین رفتن تنوع در طبیعت، کشت سارقانه و نگاهداری انبوه حیوانات و خلاصه در سرمایه داری است.

روزنامه فرایتاک - آقای والیس: از سال ۱۹۷۰ مطابق گزارش *Living Planet Report* از جانب سازمان حفظ محیط زیست *WWF*، ۶۸ درصد حیوانات شیرخوار، پرندگان، حیوانات آبی و نوحیاتین در حال نابودی می باشند.
این را شما چگونه تعبیر می کنید؟

رُب والیس: این بدان معناست که ما باید جمعش کنیم! این رقم از ده سال پیش دائم مطرح می گردد. اما ما همچنان به گونه ای عمل می کنیم که گوئی طبیعت یک یخچال خالی نشدنی است و ما می توانیم از آن تا دلمان بخواهد برداشت

کنیم. فرض سرمایه داری بر این است که همه مواد اولیه همواره موجودند و فقط به این بستگی دارد که ما چگونه آن را تبدیل به کالا کنیم. این ادامه استعمار است: شمال جهانی همه مواد اولیه را از جنوب جهانی سرقت می نماید. و بار این تعویض اکولوژیک را بر شانه آنان قرار می نهد. این عواقب غمناکی به دنبال دارد. نمایان ترین مورد آن تحول اوضاع جوی است. اما ما از مدت‌ها پیش می دانیم که این سرقت موجب بیماری های جهانگیر است.

گزارش یاد شده علت نابودی انواع را در کشاورزی فشرده دانسته و آن را علت به وجود آمدن ویروس ها می داند.

کشاورزی رو به بازار و شرکت های بزرگ مربوطه در دورترین جنگل ها نفوذ می نمایند. سرچشمه بیش از ۶۰ درصد محرک های جدید بیماریهای بشری از حیوانات وحشی است. نظام های مرکب طبیعی مانند جنگل های بارانی، محیط اینگونه ویروس ها را محدود می سازند و از انتشار آنها جلوگیری می نمایند. در صورتی که تنوع در طبیعت نابود گردد، عوامل بیماری ها به انسان ها و حیوانات مفید در محیط انتقال می یابند و از آنجا به شبکه مسافرتی وارد و در مدت کوتاهی از یک غار در چین به سواحل میامی می رسند. این جریان های سرمایه و کالا است که تحولات کشاورزی صنعتی و تولید گوشت را به پیش می رانند – و همراه آن ایجاد بیماری های جدید را. بدترین کانون بیماری ها در این رابطه هنگ کنگ، لندن و نیویورک می باشند.

به چه دلیل؟

این مراکز، نابودی جنگل ها و تجارت کشاورزی را تأمین مالی می کنند. به گریپ پرندگان (H5N1) که بدو در استان گوانگ دنگ چین ظهور نمود توجه کنید. هنگامی که ۱۹۹۶ در هنگ کنگ شیوع یافت و مردم را کشت، موجب دلهره گشت. می گفتند هنگ کنگ فدای چینیان کشور چین گشته است که پرورش ماکیان در آنجا محل نشو و نموی انواع تازه آنفلوانزا و شاخه ای از زارس می باشد. در واقع نیز آن زمان چهار پنجم سرمایه گذاری مستقیم از هنگ کنگ به چین و در دامداری های پرورش ماکیان بود. تولید گوشت ماکیان در آنجا از ۱,۷ میلیون تن در سال ۱۹۸۵ به ۱۳ میلیون تن رسیده است.

دولت ها و سازمان بهداشت جهانی همه گیرهای جهانی نظیر کوید -۱۹ را بررسی نموده اند. چرا ما تا این حد آمادگی نداشتیم؟

در ۲۰ سال گذشته تقریباً هر سال یکی از همه گیرهای H7N9, H1N1، زارس، مرس، ابولا، ماکونا، زیکا و بسیاری از سایر ویروس ها بروز کرده اند. کاشفین علی رغم اخطارهای خود، نسبت به حقیقت قابل مشاهده در پس آن نابینا مانده و خود را به عامل بیماری منفرد، مشغول ساخته و از توجه به دینامیزم بیماری ها غافل اند. این مربوط می شود بدین که ما به صورت اجتماع چگونه سامان یافته ایم. بدیهی است که تحقیقات ژنتیک و بیمارستانی مهم می باشند. ما، علم کلاسیک را رد نمی کنیم. اما آن، به مرزهایی محدود است: آنان می کوشند شیوع بیماریها را متوقف سازند – اما فقط تا نقطه ای که در نظامی که موجد آن گشته است، بتوان موضوع را دنبال نمود. تحت شرایط نتولیرال، به کارشناسان بیماری های واگیر، برای انجام کاری مزد می دهند که کثافت را بزدايد. به همین جهت گروه کاری ما، خود را به ویروس شناسی سیاسی مشغول ساخته و بررسی می کنیم چگونه مناسبات بیولوژیک، اجتماعی و اقتصادی به همدیگر مربوط اند.

تئوری میدانی شما در زمینه به وجود آمدن بیماری به لحاظ نئولیبرال مشخصاً چیست؟

ما گریپ خوک H1N1 را که ۲۰۰۹ در مکزیکو بروز نمود، گریپ نفتا NAFTA نامیدیم، با توجه به قرارداد تجارتی بدون کنترل امریکای شمالی. ۱۹۹۴ مکزیکو و ایالات متحده امریکا مرزهای خود را برای تردد کالا باز نمودند. شرکت های امریکا خود را از زباله گوشت در بازار مکزیکو خلاص نمودند. اینکار موجب از هم پاشیدگی نظام های تغذیه محلی و پیشرفت کشاورزی صنعتی گشت. بدین صورت H1N1 به مکزیکوسیتی، ایالات متحده امریکا و از آنجا به سراسر جهان منتشر گشت.

ویروس ابولا- ماکونا را که ۲۰۱۳ در غرب افریقا بروز نمود، شما ابولای نئولیبرال می نامید. چرا؟

خود ویروس تغییری نکرده بود. اما چطور شد که این ویروس که معمولاً به ابتلای دو روستا محدود می گشت - که این خود به اندازه کافی شر است - توانست ۳۵ هزار انسان را مبتلا سازد و موجب مرگ ۱۱ هزار تن گردد؟ گینه، لیبیا و سیرالئون کانون نشر ابولا و از جمله کشورهایی بودند که به عملی کردن برنامه های تبدیل ساخت، مجبور گشته بودند. آنها را مجبور ساخته بودند که هزینه نظام بهداشت خود را بکاهند و پای شرکت های فرامرزی را به نظام های اکولوژیک (طبیعی) خود باز نمایند. جنگل های عظیم و مرکب که در آنها بیماری های خطرناک محدود بودند، برای ایجاد مزارع تک محصولی تسطیح گشتند. حیوانات میزبان این بیماری ها بدین صورت امکان نشو و نمو یافتند، از جمله خفاش ها که حامل ویروس ابولا می باشند. آنها به مزارع صنعتی نقل مکان یافتند، جایی که نه رقیبی برایشان آنجا هست و نه دشمنی. میدان حرکتشان با محیط زندگی انسان ها تداخل یافته، موجب افزایش میزان ابتلا می گردد.

آیا یک چنین ارتباطی نیز در مورد کوید-۱۹ هست؟

پس از بروز بحران اقتصادی ۲۰۰۸ شرکت های سرمایه گذاری موجودی های خود را متفاوت نمودند. گلدمن زاکس بخش کشاورزی را کشف نمود و ۶۰ درصد سهام شرکت کشاورزی چینی شوانگهویی دیولپمند را خریداری نمود. این شرکت خود شرکت غذایی سمیت فیلد فود امریکائی را که بزرگ ترین تولید کننده گوشت خوک در امریکا است خریده بود. در یک اقدام متقابل، گلدمن زاکس مزارع پرورش خوک و ماکیان چینی را که در مجاورت ووهان بودند، انبثاع نمود. در این منطقه حیوانات وحشی که برای شهر نشینان شکار می گردند، به محیط زندگی خفاش هائی که حامل شاخه هائی از زارس می باشند، فرار می نمایند. گردش جهانی سرمایه نقش اساسی را در تغییرات اکولوژی هائی که محل بروز شاخه های زارس بودند، بازی می کنند.

بازار حیوانات وحشی ووهان که به عنوان مبدأ ویروس گمانزنی می شود و به نحو نژاد پرستانه ای به سوپ خفاش

تقلیل یافت، این بازارها در واقع چه نقشی دارند؟

سوپ خفاش برای فاشیست ها و لیبرال ها یک عکس العمل نژادپرستانه پاولفی [۱] است. این مسأله در حقیقت چنان است که (گوشت) حیوانات وحشی دیگر از تغذیه خود کفا (subsistenznahrung) به کالای صنعتی تحول یافته و دیگر در دالان های تاریک میان کامیون ها به فروش نمی رسند. بلکه در بزرگ ترین بازارهای ووهان و به رستوران های درجه یک. از آنجائی که تولید انبوه گوشت در خارج از شهرها گسترش می یابد، این است که کارگاه های بزرگ گوشت حیوانات وحشی به داخل جنگل ها نقل مکان یافته اند تا بتوانند به آخرین حیوانات وحشی باقیمانده دست اندازی کنند. این دو مدل فعالیت اقتصادی پر سود، هر دو از منبع مالی مشترکی تأمین می گردند.

با اینحال رئیس جمهور، ترمپ، از ویروس چینی حرف می زند ..

نژاد پرستی ترمپ خود بخشی از تئاتر واگیر جهانی است. در امریکا به بهداشت عمومی عرض ۴۰ سال گذشته در سطح وسیع بی توجهی گشته است. این است که ما در قبال کوید-۱۹ بی دفاع مانده ایم و در غنی ترین کشور جهان باید برای دویست هزار کشته عزاداری کنیم. این است که امریکا تقصیر را به گردن چین می اندازد و چین هم اینکار را از طرف مقابل می کند و صحنه جنگ سردی بر پا می شود تا بار مسؤولیت را از دوش خویش بردارند. این تئاتر مانوری برای به انحراف کشاندن دیگران به سود بورژوازی است. در واقع همانطور که در مورد گلدمن زاکس دیدیم کشورهای رقیب هم و نیز سرمایه مشترکاً درختان جنگل ها را می زنند و آن را نابود می سازند.

شما تولید گوشت را نیز از علل بروز همه گیری جهانی می دانید.

از تحول در تولید حیوانات مفید تا ذبح و فروش، هر گامی، در این رابطه قرار دارد که برای صاحبان صنایع سود اضافی حاصل آید. آنان موانع ایمنی را که ابتلای بیماری ها را کند می نمایند بر طرف می سازند. آنان راه های طبیعی تولید مثل را کنار زده و گزینش طبیعی را منع می نمایند. نگاهداری انبوه حیوانات در محیط تنگ، نظام ایمنی آنان را تضعیف می نماید. آنان دیگر موجود طبیعی نبوده بلکه چیزی هستند در خط تدارکی که ما ساخته ایم، تقریباً نظیر یک روبات.

روبات؟

می دانید پرورش دهندگان خوک از این که عامل های بیماری، از خوک ماده به بچه خوک انتقال یابد چگونه جلوگیری می نمایند؟ با روشی که بدان تولید فاقد بیماری ژنتیک می نامند. آنان خوک مادر را می کشند و رحم او را به ضمیمه جنینی که در آن است از تن او جدا ساخته، آنگاه جنین در دستگاه به عمل می آید. یعنی آنها نمی خواهند که عوامل بیماری در مدل کاملاً اقتصادی که دارند بروز نماید. به جای این که آن را تغییر دهند، دخالت های فجیعی می کنند، تا مدلی را حفظ نمایند که موجب بیماری های مرگ آسا می باشد. و آن را ایمنی بیولوژیک می نامند Biosafety .

اینکار چرا اینقدر سودآور است؟

هزینه های اینکار به خارج منتقل می گردد، شرکت های عظیم مانند تیسین فود از ده ها سال پیش می دانند که نگاهداری انبوه حیوانات موجب بیماری هائی است. به همین جهت تولید نوزاد حیوانات را به شرکت های بیمانکار فرعی واگذار نموده اند. آنها مجبورند طویله ها را مطابق مدل های مورد نظر آن شرکت های عظیم بسازند، با قرض هائی که باید خودشان تأمین مالی کنند و نیز حیوانات و علوفه را نیز از همان شرکت ها ابتیاع نمایند. آنگاه در صورتی که در محوطه دامداری آنها بیماری هائی بروز نمایند، خودشان خسارت وارده را تحمل می نمایند و نه آن شرکت های اصلی. زمانی که در ۲۰۱۵ H1N1 در پرورشگاه های ماکیان در امریکا بروز نمود، دامداران خسارات وارده را که مستقیماً به جهت مردن حیوانات مبتلا به ویروس ایجاد گشته بود تحمل نمودند و هزینه مربوط به حیواناتی را که به خاطر احتیاط کشتند، بر دوش مالیات دهندگان امریکائی نهادند.

سازمان های حافظ محیط زیست مانند WWF برای حفظ سیستم های اکولوژی با شرکت های بزرگ کشاوری همکاری می نمایند. نظر شما در این مورد چیست؟

برخی از سازمان های غیر دولتی در جنوب جهانی دارای برنامه هایی هستند که از جانب صنایع کشاورزی تأمین می گردند. از جمله با روش موسوم به صرفه جویی در زمین Land Sparing : زمین به قطعاتی برای کشاورزی فشرده و بخش های تحت حفاظت تقسیم می گردد. اهالی بومی و زنان کشاورز را از زمین رانده و آنان مجبور می گردند در مزارع ایجاد شده به جای زمین های خود بیگاری کنند. بدین ترتیب بدترین دخالت های نواستعماری به رنگ سبز در می آیند و آن را مراعات اوضاع پیشین می نامند (برنامه گری ایدئولوژیک). هدف تبلیغاتی این ایدئولوژی، کشاورزان و مصرف کنندگان زن می باشند که می باید قانع گردند که شرکت هایی که کره زمین را به نابودی می کشانند آن را نجات می دهند.

ما باید چه کار کنیم؟

ما باید تولید مواد غذایی و تملک بر طبیعت را از نفوذ سرمایه خارج سازیم. ما به کشاورزی دیگری نیاز داریم که محیط زندگی ما را حفظ نماید. با مزارع متعلق به جامعه و روش های کشت و کار اکولوژیک، از جمله قوی نمودن دائم زمین که با تکنیک مدرن، فزونی تنوع، اما بدون فشار کیمیایی محصول بیشتر داده، حیات متنوع را حفظ نمایند. ما باید به عنوان مخلوقات زنده و نفس کشی عمل کنیم، که به همه آنچه زیبا و درخشان است وابسته ایم.

[۱] پاولف: روانشناس و رفتارشناس روسی



* - کاترین هارت من زاده اولم ۱۹۷۲ نویسنده و روزنامه نگاری المانی است. وی در دانشگاه فرانکفورت/ ماین تاریخ هنر، فلسفه و فرهنگ اسکاندیناوی را آموخته است. در دوران تحصیل برای روزنامه های فراقفورتر روندشاو، تاتس و تیتانیک قلم می زد. پس از گذراندن کارآموزی در فرانکفورتر روندشاو، دبیر بخش اخبار و سیاست همین روزنامه گشت و از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ دبیر مجله نئون بود.

تألیفات

- Ende der Märchenstunde. Wie die Industrie die Lohas und Lifestyle-Ökos vereinnahmt. Blessing, München 2009, ISBN 978-3-89667-413-5
- Wir müssen leider draußen bleiben. Die neue Armut in der Konsumgesellschaft. Blessing, München 2012, ISBN 978-3-89667-457-9
- Aus kontrolliertem Raubbau. Wie Politik und Wirtschaft das Klima anheizen, Natur vernichten und Armut produzieren. Blessing, München 2015, ISBN 978-3-89667-532-3
- Die grüne Lüge. Weltrettung als profitables Geschäftsmodell. Blessing, München 2018, ISBN 978-3-89667-609-2. Dieses Buch entstand aus der Zusammenarbeit mit

Werner Boote, mit dem sie das Drehbuch für seinen Film „The Green Lie“ (2018) verfasste, in dem sie auch selbst mitwirkt.



** - رُب واليس کارشناس بیماریهای واگیر بوده، به تازگی کتاب "دانشمندان مرده بیماری های واگیر- علل کوید -۱۹" را منتشر ساخته است. عنوان آخرین اثر وی به المانی "کشاورزی سارقانه نسبت به طبیعت - ارتباط کوید ۱۹ با بحران اکولوژی و معاملات کشاورزی" است.

<https://www.freitag.de/autoren/der-freitag/wir-koennen-einpacken>